

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

علی صدارت
۰۳ دسمبر ۲۰۲۲

انقلاب یا اصلاحات؛ و یا انقلاب اصلاح طلبان؟!

اصلاح طلبی. اصلاح طلبان، اصلا از همان ابتدا، برای زندانی کردن خود و دیگران و ملت، در زندان های بد و بدتر شروع شد.

مبحث امروز ایران، اصلاح طلبی، و اصلاح طلبان است که رژیم دست به دامان آنها شده است! ولی اصلاح طلبان، هیچوقت نگفته اند این اصلاحاتی که آنها طلب می کنند چیست! نمی توانستند، و هنوز هم نمی توانند هم بگویند، چون وقتی روی به قدرت داشته باشی، غیر ممکن است بتوانی شفاف باشی! نه فقط برای مردم، بلکه خودت هم نمیدانی چه اصلاحاتی را می خواهی و یا اصلا می توانی انجام بدهی!

ولی اصلا در یک رژیم استبدادی، اصلاحات ناشدنی است، و هر چه آن رژیم مستبدتر، اصلاحات غیر ممکن تر! و در عین حال هر چه عمر رژیم استبدادی بیشتر می شود، نیاز به اصلاحات، ابعاد کیفی و کمی بیشتری پیدا می کند! طلب اصلاحات، یعنی ایجاد یک تغییر و تحولاتی. ببینیم هر نوع از انواع تغییر و تحولات، یعنی برون رفت از وضعیت فعلی، چه وضعیتی را ممکن است فراهم سازد؟

۱- وضعیتی بهتر از خود: بدیل مردمسالار و غیر استبدادی؟ این به معنای براندازی است. درد قدرت، درد رژیم ولایت مطلقه، دردی است غیر مردن آنرا دوا نباشد!

۲- وضعیتی مشابه خود: قدرت و رژیم استبدادی و دیکتاتوری، برای بقای خود نیاز به گرفتن قدرت از بقیه و حذف رقیبان را دارد، و چگونه می تواند قدرت را تقسیم کند و برای خودش رقیب درست کند؟ حالا اگر هم بتواند این بدیل مشابه خود را درست کند، آیا اصولا این می تواند مطلوب باشد؟ جواب البته منفی است. رژیم مشابه رژیم ولایت مطلقه، نه مطلوب است و نه ممکن!

۳- وضعیتی بدتر از خود: در هر استبدادی، به علت نداشتن پایگاه مردمی، رژیم مجبور است با بحران سازی های ریز و درشت، در درون کشور، و در منطقه و در دنیا، بی ثباتی سازی های گوناگون را شروع و مدیریت کند. تلاش ژنرال های جنگ روانی در اتاق فکرهای روایت ساز و روایت پرداز، ترساندن و مضطرب و افسرده کردن مردم است (درست همان کاری که باز جوها و شکنجه گران با زندانیان سیاسی می کنند) در نتیجه این ترس و اضطراب و افسردگی است که یک فرد، و یا یک جامعه، منفعل شده، و به شکل مومی در دست رژیم در می آید. در این حالت احساسی-روانی-روحی است که افراد، با ترسیدن و ترساندن، خود و دیگران را، به دست خود در زندان بد و بدتر، و باز هم بدتر و بدتر و بدتر... زندانی می کنند!

نبویان: آدمخواری اگر در راه ولایت باشد در حکم هفتاد سال عبادت است / اسلام احکام آدمخواری را معلوم کرده



به گزارش فارس نیوز، حجت الاسلام سید محمود نبویان که اخیراً خواستار اعدام کسانی شده بود که به اصل ولایت مطلقه فقیه اعتقادی ندارند، معتقد است که می توان به روشهای دیگری چون خوردن مرتدان هم متوسل شد، همانطور که در دوران صفویه با مخالفان دین خدا انجام شده و آدمخواری اگر در راه خدا و اسلام باشد در حکم هفتاد سال عبادت است.

نبویان در گفتگو با خبرنگار فارس، قوانین کنونی در اعدام مرتدان که

صرفاً به کسانی محدود می شود که اعتقاد خود را به شریعت مقدس اسلام و امامان شیعه از دست می دهند را ناکافی دانسته و این جرایم را قابل تسری به عدم اعتقاد به رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای و امام خمینی شناخته و از سعید امامی به عنوان یکی از سربازان دلیر اسلام نام برد که باید الگوی بسیجیان و نیروهای ارزشی باشد.

نبویان گفت: زمانی که تشیع دوازده امامی توسط صفویه از لبنان به ایران وارد شد، شیعیان مخالفین شاه را می خوردند. کافی بود شاه اسماعیل یا شاه عباس اشاره ای کند تا شیعیان با همان لباس های درباری، مرتدی را که احیاناً جسارتی کرده یا در اعتقاداتش خللی ایجاد شده زنده بخورند و استخوانش را هم باقی نگذارند. امروز ما را چه شده که به اندازه آدمخواران شاه عباس غیرت شیعی نداریم؟ آیا این درست است که در تاریخ بگویند شیعیان امام خامنه ای به اندازه شیعیان شاه عباس غیرت و توحش دینی نداشتند؟

اسلام احکام آدمخواری را معلوم کرده و دنیا باید بفهمد که شیعه وحشی است و با کسی شوخی ندارد. چرا ما شیعیان امروزی نباید نشان دهیم که کماکان شیعه مرتضی علی هستیم؟ کافی است در یکی از همین هیئات مذهبی یکی دو تا مرتد را که از همین قشر سوسول های دانشگاه رفته و به اصطلاح تحصیل کرده هستند را بیاوریم و بعد از اینکه بسیجیان حسابی سینه زنی کردند و به خلسه مذهبی رفتند آنها را به میانشان بیاندازیم و بگویم اگر شیعه حضرت عباس هستند اینها را بخورید. خواهید دید دوبار که اینها را خوردند، دیگر کسی جرأت ارتداد نمی کند و این مرض بحمدالله از جامعه اسلامی زدوده خواهد شد.

ماهیت این رژیم ولایت مطلقه را محمود نبویان اینگونه بیان کرد. وی خواستار **اعدام** کسانی شده بود که به اصل ولایت مطلقه فقیه اعتقادی ندارند. ایشان معتقد است که می توان به روشهای دیگری چون خوردن مرتدان هم متوسل شد، و گفت: «...آدمخواری اگر در راه ولایت باشد در حکم هفتاد سال عبادت است. اسلام احکام آدمخواری را معلوم کرده...»!!!! نمی توانم تصور کنم اصلاح اینگونه تفکرات، اصلاً چگونه امکان پذیر است؟ از اصلاح طلبان پرسیدنی است که برای انجام اصلاحات در چنین نظری، اگر بجای اینکه همه ایرانیانی که به اصل ولایت مطلقه فقیه اعتقادی ندارند را **اعدام** کنیم و بخوریم، اگر فقط نصف آن تعداد **ایرانیان** را بخوریم، به هدف اصلاح طلبی دست یافته ایم؟! و یا اینکه بپذیریم با تلاش برای اصلاح و حفظ این نظام، حداقل از سال ۱۳۷۶، عمر فضایی که این تفکرات وحشیانه را می پرورد را طولانی تر کرده ایم؟! *

– تجربه ناممکن بودن اصلاح طلبی در رژیم ولایت مطلقه پهلوی را شاهد بودیم.
– گورباچف با دو دکترین پرسترویکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی، تلاش

کرد رژیم ولایت مطلقه حزب کمونیست اصلاحاتی را انجام دهد، که در نتیجه آن، نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان!

– تجربه اصلاح طلبی را در حکومت موقت کسی که به **انقلاب** باور نداشت را شاهد بودیم (و آزادی را در مقابل استقلال، و یا لااقل جدا از **استقلال** می دانست، و برای آزادی، اولویت تصور می کرد) که به بازسازی ساختار استبداد انجامید. از مردمی که متقلب شده بودند، از جوانان انقلابی، خواسته شد که به خانه هایشان بروند تا آنها بتوانند سیاست های «گام به گام» خود را اجرا کنند. ما با سیاست های گام به گام انقلابی (به معنی نفی قدرت، و ایجاب ملت) مخالفتی نداشتیم و نداریم، ولی این کار را نمی توان با فرستادن مردم به خانه هایشان انجام داد. مسابقه، مسلماً دوی ۱۰۰ متر نیست، دوی ماراتون هم نیست، باید حقیقت را دریابیم که تلاش برای برپایی، و پویایی، و پیشبرد مردمسالاری،

یک دوندگی همیشگی است! و به محض اینکه از حرکت بایستی و منفعل شوی، قدرت‌ها جای خالی تو را برای ساختن سرنوشت تو، پر خواهند کرد.

✱

در هر رژیمی که دیکتاتور، راه را بر هر گونه اصلاحات می‌بندد، مردم منقلب می‌شوند، مردم انقلابی می‌شوند، انقلابی می‌کنند! چرا که این بستن راه اصلاحات توسط دیکتاتور، نمی‌تواند همراه خشونت‌های روزافزون نباشد. انقلاب معلول خشونت است و نه علت خشونت. انقلاب به معنی خشونت نیست، به معنی پایان تحمل خشونت‌ها و پایان انفعال مردم است.

✱

اصلاح‌طلبان مردم را سرزنش می‌کنند که چرا به خامنه‌ای می‌گویند بالای چشمت ابرو است. در موقع نوشیدن جام زهر خمینی، بعضی از سرکردگان رژیم گفتند که 'ملت به دولت خیانت کرد!' محمد خاتمی برای کشاندن مردم به حوزه‌های «رای‌گیری» در «انتخابات» برای «مجلس شورا» در اسفند ۱۳۹۸، گفت: اصلاح‌طلبان و مردم ناراضی، فداکاری کنند و در انتخابات شرکت کنند! همین ایشان در زمان ریاست جمهوری، ضمن اینکه خود را «تدارک‌آچی» خواند، واضح و روشن ما مردم را لایق مردمسالاری ندانست و گفت: «...مردمسالاری با کدام مردم...»

رسول منتجب‌نیا گفت: «...رهبری اجازه دادند نامه‌ها و مکاتباتی بنویسیم و همین که ایشان نامه‌های ما را بخوانند، اگر هم جوابی دریافت نشود، کافی است و این یک امتیازی برای مجموعه اصلاح‌طلب است...»

این روزها هم درب اصلاح‌طلبی، بر همان پاشنه می‌چرخد. بنا بر نشریه اعتدال، محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات و عضو مجمع روحانیون مبارز از مکاتبه سید محمد خاتمی با رهبر معظم انقلاب خبر داده و نوشته است: در اعتراضات اخیر به رغم مکاتبه آقای خاتمی با رهبری و ملاقات اصلاح‌طلبان با مسئولان عالی‌رتبه برای جلوگیری از خشونت و اصلاح امور، نشانه‌ای از اینکه خواسته‌ها مورد توجه حاکمیت قرار گرفته باشد، نیست. نشریه صبح صادق، منتسب به سپاه پاسداران نوشته: ...نظرات همیشگی اصلاح‌خواهانه آقای خاتمی مورد قبول حاکمیت قرار نگرفته است

ابطحی گفته: می‌دانم خیلی‌ها این ایام از اصلاح ناامید شده‌اند و از آن گذرکرده‌اند، راهکاری غیربراندازی و تغییر رژیم ارایه نمی‌کنند اما صادقانه خوب است روشن باشد که خاتمی، فرصت‌طلبانه نمی‌تواند از هویت خودش فاصله بگیرد.

✱

ولی به‌نظر من هنوز دیر نشده است، و خاتمی، واقع‌بینانه و خیرخواهانه، و ایران‌دوستانه، و اسلام‌دوستانه می‌تواند از هویت خودش فاصله بگیرد.

به شما و به همه اصلاح‌طلبان، صمیمانه و دوستانه و خاشعانه عرض می‌کنم که وقت آن است جبران مافات نمایید و خطای حفظ این «نظام» را تا دیر نشده جبران کنید! این رژیم رفتنی، و ایران و ایرانی ماندنی است! فرصت زیادی برایتان باقی نمانده است و بعد از سقوط فیزیکی این رژیم، همین مقدار اثرگذاری شما هم از بین خواهد رفت! وطن ما در حال طی کردن دوران خطیری بوده است، که حالا جوانان ایرانی به‌پا خاسته‌اند و کمر به نجات وطن از ورطه سقوط بسته‌اند. وقت آن رسیده که شما هموطنان هم تا دیرتر نشده، به خود آیید و از ادامه این همه کشتار و تجاوز و

فساد جلوگیری کنید. یک فرصت طلایی برای شما فراهم شده است که شما هم منقلب شوید، و پشت به قدرت، و روی به ملت داشته باشید. واقعیت را بپذیرید، بفهمید که این مردم را لایق مردمسالاری هستند! این واقعیت را دریابید و تا دیر نشده دین خود را به ایران و ایرانیان ادا کنید!

علی صدارت

[/contact-us/https://alisedarat.com](https://alisedarat.com/contact-us/)

۸ آذر ۱۴۰۱